



کار بست روش میان‌یابی وزن‌دار در تحدید پهنه‌های بارزهمند میراثی و حفاظت کالبدی از منظر تاریخی شهر* (موردپژوهی: شهر قدیم لار)

سه‌پند لطفی** مهسا شعله*** عرفانه قنبری****

چکیده

"منظر تاریخی شهر" را لایه‌های متنوعی از ارزشمندی‌های نهان و آشکار تکوین می‌بخشند. این ارزش‌ها موجب تمایز منظر تاریخی هر شهری نسبت به سایر شهرها می‌شوند. حفاظت و ارتقا مبتنی بر شناخت دقیق و درک درست از زمینه، موجب تداوم بارزها و ارزشمندی‌های منظر تاریخی می‌شود. این مقاله، در خلأ روش‌شناسانه تعیین و تحدید پهنه‌های حفاظت از میراث و منظر تاریخی و پاسخ به نارسایی تعریف حریم عناصر ارزشمند میراثی، درصدد ارائه شیوه‌ای نوین با هدف حفاظت کالبدی از ویژگی‌های کالبدی (شامل ابعاد معماری و طبیعی) منظر تاریخی شهر قدیم لار بوده است. روش آغازین در این پژوهش، "ارزیابی بارزهمندی پهنه‌های حفاظتی" است که بر اساس چهار دسته معیار شامل؛ "ارزش مبتنی بر شواهد (کالبدی)"، "ارزش تاریخی"، "ارزش زیبایی‌شناختی و معماری" و "اصالت و یکپارچگی"، مورد سنجش قرار گرفته و بدین منظور، دو رویکرد حفاظت "نقطه-مینا" (مبتنی بر تک‌عناصر واجد ارزش میراثی) و "پهنه-مینا" (بر مبنای حریم عناصر و پهنه‌های حفاظت) هم‌زمان مورد توجه بوده‌اند. این پژوهش با بسط تعریف پهنه‌های حفاظتی، از جمله مطالعات کاربردی بوده و در پیشبرد آن، از روش‌های کیفی و کمی به شیوه تلفیقی استفاده شده است. در ابتدا، و با نگاهی نقطه-مینا از طریق برداشت میدانی و مصاحبه با کارشناسان، نقاط ارزشمند و میراثی موجود در بافت (علاوه بر عناصر ثبتی) شناسایی شده‌اند. این مرحله، به منظور تدقیق و گسترش حوزه شمول عناصر ارزشمند میراثی بوده است. سپس به کمک وزن‌دهی معیارها توسط متخصصین و وارد کردن آن در فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، نسبت به رتبه‌بندی اهمیت معیارها و زیرمعیارهای بارزهمندی اقدام شده است. در گام بعدی، با استفاده از شیوه درون‌یابی در نرم‌افزار GIS، پهنه‌های حفاظت بافت تاریخی شهر لار حول نقاط ارزشمند در قالب "پهنه‌های بارزهمند" تعیین شده‌اند. این پهنه‌ها در سه سطح؛ واجد بارزهمندی زیاد (درجه ۱)، بارزهمندی متوسط (درجه ۲) و بارزهمندی کم (درجه ۳) پیشنهاد شده‌اند. تعیین این پهنه‌ها، ملاکی برای در نظر گرفتن ضوابط مداخله و نیز حفاظت از منظر تاریخی شهر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: منظر تاریخی، پهنه بارزهمند، میان‌یابی وزن‌دار، حریم اثر، لار

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد عرفانه قنبری با عنوان «تدوین ضوابط طراحی شهری با تأکید بر حریم عناصر ارزشمند و میراثی» به راهنمایی دکتر سه‌پند لطفی در دانشگاه شیراز است.

** استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول).

msholeh@shirazu.ac.ir

erfaneh.ghanbari@gmail.com

**** دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز.

مقدمه

منظر تاریخی شهر، نتیجه بر هم نهاد لایه‌های مختلف تاریخی از ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی است و فراتر از مفهوم مرکز تاریخی یا مجموعه‌ای از زمینه شهری وسیع با محیط جغرافیایی مربوط به آن به شمار می‌آید (UNESCO, 2019). این منظر، متشکل از بناها، یادمان‌ها و بافت‌های بارز شهر است که به دلیل اهمیت آنها، مستلزم حفاظت هستند و همپای آن، رشد و توسعه شهر، نیازمند برنامه‌ها و طرح‌های مدون و کنترل‌کننده است.

در منظر شهری تاریخی، گذار از معماری یادمانی به سوی نگاهی وسیع‌تر با در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مد نظر است و نیز به روابط متقابل فرم فیزیکی، ساختار فضایی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و بارزهای طبیعی، توجه ویژه دارد و هدف غایی آن، رسیدن به پایداری از طریق ایجاد تعادل بین کیفیت زندگی و رشد شهری و همچنین بین حفاظت از ارزش‌ها و نیازمندی‌های شهر معاصر است (Van oers et al, 2010). در حفاظت شهری، بر مفهوم پایداری، بسیار تأکید می‌شود؛ بر این مبنا که ضمن تأکید بر امر "توسعه"، باید به دنبال برقراری تعادل میان موازین توسعه و شهر دیرین باشد و مانع از قطع ارتباط شهر معاصر با جریان پایای خاطرهای شهر در دو بعد کالبدی و غیر کالبدی شود (لطفی، ۱۳۹۰: ۲۶۲). نابسامانی و اغتشاش سیما و منظر بافت‌های تاریخی، واقعیتی پذیرفته‌شده توسط مسئولین، حرفه‌مندان، صاحب‌نظران و عامه مردم است. این آشفتگی‌ها، ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، قانونی، اخلاقی، فعالیتی، روانی، بصری و محیطی، چه از منظر عینی آن (منظر شهر) و چه از زاویه برداشت‌ها و تصاویر ذهنی افراد از آن (تصویر شهر)، در بافت‌های کهن شهری را منجر می‌شوند (کمیلی، ۱۳۹۵: ۲۱۰). از جمله چالش‌های اصلی آن است که برخی "رویکردهای مبتنی بر توسعه"، میراث‌های فرهنگی تاریخی را تضعیف نموده و برخی از رویکردهای مبتنی بر حفاظت، امر توسعه را مختل کرده

و شرایط شهری امروز به خوبی بیانگر آن است که این دو رویکرد، جدایی‌ناپذیر هستند (حناچی و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۱). نمونه مطالعاتی پژوهش، شامل شاکله اصلی بافت تاریخی شهر لار در استان فارس با وسعت ۱۲۲ هکتار است. این بافت، حاوی ارزش‌های تاریخی، معماری، فرهنگی و اجتماعی بسیاری بوده که از دوران ماقبل اسلام تا به امروز در خود نگاه داشته و با رویدادهای گوناگونی همراه بوده است. عوامل طبیعی و انسانی متفاوتی چهره بافت تاریخی شهر را در هم شکسته؛ خیابان‌کشی‌های بی‌رحمانه دوران پهلوی، سرآغاز این دگرگونی‌ها هستند. در پی آن، زلزله سال ۱۳۳۹، ضربه محکمی را بر کالبد و منظر شهر فرونشاند. اقداماتی چون حریم‌گذاری بناها، جهت ارتقا و بهبود این خرابی‌ها انجام گرفت که نه تنها مرهمی بر زخم‌های بافت نهاد، بلکه منظر تاریخی شهر را در هم آشفته، توسعه‌های ناهماهنگ با زمینه به آن افزود و ارزش‌های کهن بافت را تحت تأثیر قرار داد. بررسی اسناد حریم‌گذاری میراث فرهنگی شهر لار نشان می‌دهد که این سیستم، مواردی را در بر می‌گیرد (جدول ۱).

از مرور این موارد درمی‌یابیم که این شیوه حریم‌گذاری، از مرحله تعیین عناصر ثبت‌شده و حریم آنها تا تدوین و اعمال ضوابط و اجرای آنها، کمابیش با چالش‌هایی رو به رو است؛ چالش‌هایی از قبیل اینکه حریم برای تعداد معدودی از عناصر ثبت‌شده تعریف شده و حال آنکه مابقی عناصر ارزشمند و ثبت‌نشده و بافت پیرامونی آنها از دامنه اعمال ضوابط غافل مانده‌اند. همچنین، عمده تأکید حریم، بر جنبه‌های کیفی کالبدی و بصری تک‌بناهای ثبت‌شده بوده و بسیاری از ارزشمندی‌های اجتماعی و فرهنگی بافت را مد نظر قرار نداده است (لطفی و دیگران، ۱۳۹۷؛ اسناد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۰-۱۳۸۲).

از طرفی، بی‌قوارگی بافت به جهت عدم هم‌پیوندی کالبدی و بصری عناصر ارزشمند معماری و طبیعی، تا حدی گویای فقدان ضوابط محکم و یا "عدم توجه ضوابط ساخت و ساز به ارزش‌های درونی بافت" است. از این رو، هدایت و کنترل تغییر، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به منظور برقراری تعادل

جدول ۱. موارد مورد توجه در ضوابط مربوط به حریم ابنیه

۱.	تعریف عرصه اثر و تأکید بر لزوم حفظ و نگهداری آثار مطابق با الگوهای معماری و تاریخی گذشته و ممنوعیت هر گونه دخل و تصرف در این عناصر واجد ارزش
۲.	لحاظ محدودیت ارتفاعی در قالب حریم یک و درجه دو برای ابنیه پیرامونی عنصر ثبت‌شده
۳.	تأکید بر همگونی عناصر جدید با اثر مورد نظر در زمینه الگوی ساخت، سبک معماری، مصالح ساختمانی و ...
۴.	لزوم صدور مجوز و نظارت از سمت میراث فرهنگی برای هر گونه دخل و تصرف در محدوده حریم تعیین‌شده

(نگارندگان با استفاده از اسناد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۰-۱۳۸۲)

با آن ارزش‌ها در ارتباط بوده را نمایان می‌سازند. ارزیابی، مبنایی را برای تصمیماتی از قبیل اینکه چه بخش‌هایی از مکان تاریخی، به جای بازسازی یا جایگزینی، بایستی حفظ شود، فراهم می‌کند (English Heritage, 2008). در راستای بارزپردازی تاریخی، روش‌های گوناگونی در سطح جهان به کار گرفته شده‌اند که به طور خاص، میراث انگلستان آنها را در چهار سطح؛ بارزپردازی منظر تاریخی^۱، پیمایش شهری گسترده^۲، ارزیابی منطقه تاریخی^۳ و ارزیابی بارزپردازی پهنه‌های حفاظت^۴ در دو مقیاس شهری و روستایی مطرح می‌سازد (Historic England, 2010: 3). در این میان، با توجه به سطح مطالعاتی پژوهش و محوریت موضوعی پهنه‌های حفاظت، از روش CACA در ارزیابی بافت تاریخی نمونه موردی بهره گرفته می‌شود. این تکنیک خاص بارزپردازی در سطح پهنه‌های حفاظت، در تعیین تمایز مناطق و نواحی برجسته مورد استفاده قرار می‌گیرد. چارچوب این روش، بر مبنای شناسایی و ارزیابی ارزش‌های ویژه در ابعاد کالبدی، زیبایی‌شناسی و طبیعی پهنه‌های حفاظت تاریخی استوار بوده و عمده تأکید آن، بر دارایی‌های میراثی ثبت‌شده و ثبت‌نشده است^۵ (English Heritage, 2005 b).

منظر تاریخی شهر

منظر تاریخی^۶، ابزاری برای تفسیر ارزش‌های میراث شهری است. یادنامه وین (۲۰۰۵) را می‌توان سرآغاز گرایش به رویکرد "منظر تاریخی شهر" به‌عنوان رویکرد جدید در امر حفاظت شهری دانست (Taylor, 2016). کن تیلور از آن به معنای هم‌پیوندی مجدد رویکردهای منحصر به فرد در زمینه ارزش‌گذاری و ساخت محیط‌های سکونت، همچنین برجسته‌سازی تمایزات بین محیط تاریخی و توسعه جدید، طبیعت و فرهنگ، میراث ساخته‌شده و زمینه یاد می‌کند (Ibid). به‌بیانی دیگر، منظر تاریخی، رویکرد و شیوه‌ای جدید از درک و شناخت شهرها است. "رویکرد" از این جهت که اساسی را برای حفاظت شهری در قالب چارچوب کلی توسعه پایدار از طریق استفاده از طیفی از ابزارهای سنتی و نوآورانه متناسب با زمینه‌های محلی فراهم می‌کند و "مفهوم" از جهتی که فهم ما را از محیط تاریخی گسترش داده و به شناسایی عناصر پیچیده‌ای که شهرها را متمایز ساخته و حس مکان و هویت آنها را شکل داده، یاری می‌رساند. این لایه‌ها غنایی را می‌سازند که در امر حفاظت و توسعه شهرها نیازمند شناخت و ارتقا هستند (UNESCO and World Heritage Convention, 2015: 11). همچنین منظر تاریخی شهر، به دنبال افزایش پایداری مداخلات طراحی و برنامه‌ریزی با توجه

میان حفاظت و توسعه، لازم است که سیستم حریم‌گذاری فعلی با شیوه‌های دیگر حفاظت که بارزپردازی و ارزش‌های ویژه بافت تاریخی را مد نظر قرار داده و نیز به‌گونه‌ای نوآورانه، تلفیق و یا حتی جایگزین شود. بنابراین هدف اصلی پژوهش، بر مبنای یافتن راهکاری نوین در جهت حفاظت کالبدی از بارزپردازی منظر تاریخی شهر بنا نهاده شده است. این پژوهش به دنبال آن است که با واکاوی دیدگاه‌های نقطه‌مبنا (مبتنی بر تک‌بنا) و پهنه‌مبنا (مبتنی بر پهنه‌های حفاظت) در خصوص حفاظت از میراث واجد ارزش تاریخی، به ارائه شیوه‌ای جامع‌تر در امر حفاظت از میراث دست یابد.

پیشینه پژوهش

امروزه، اقدامات متفاوتی در امر حفاظت و توسعه بافت‌های تاریخی در ایران و سطح جهان، توسط سازمان‌های مسئول حفاظت از میراث، صورت گرفته‌اند. رویکردی که از سال‌های ۱۹۶۲ در فرانسه آغاز و در دهه ۱۹۹۰ با رویکردهای جدیدتری همراه شد، تعیین "پهنه‌های حفاظت، با استفاده از شیوه ارزیابی بارزپردازی نواحی تاریخی" است که امروزه در سیاست‌های حفاظتی بسیاری از کشورها از جمله؛ انگلستان، فرانسه و آمریکا اتخاذ می‌شود. همچنین در ایران، رویکردی که سازمان میراث فرهنگی کشور در کنترل حفاظت مجموعه‌ها و آثار تاریخی و توسعه پیرامونی آنها از سال ۱۳۶۷ در نظر داشته، رویکرد "حریم‌گذاری بر ابنیه ثبتی" است. مسئله حریم‌گذاری بیشتر از اینکه بر پایه تئوری‌های قوی و مشخص شکل گرفته باشد، به صورت عملی با آن برخورد شده است (ریاحی و حبیبی، ۱۳۹۴). از سویی دیگر، سیاست‌های حفاظت نیازمند آن هستند که برای انعکاس ارزش و اهمیت منظر یا ساختمان مربوطه مناسب باشد (English Heritage, 2008). اگر چه شیوه حریم‌گذاری ابنیه، چارچوبی برای ارائه ضوابط کنترلی حفاظت و توسعه است، اما همواره با مسائل و مشکلاتی همراه بوده که مستلزم بازنگری و تلفیق آن با شیوه‌های دیگر حفاظت هستند. همچنین، ضوابطی که در چارچوب تعریف "حریم برای عناصر ثبت‌شده در فهرست آثار ملی" ارائه شده، عمده تأکید آنها بر تک‌بنا بوده و در ارتباط با امر توسعه، از برخی ارزش‌های زمینه‌ای غافل مانده و مسائلی را در پی داشته‌اند (لطفی و دیگران، ۱۳۹۷).

روش‌شناسی: بارزپردازی تاریخی بر مبنای روش CACA

قضاوت‌های ارزش-مبنا^۱ و به‌عبارتی ارزیابی ارزش‌های یک مکان تاریخی، ویژگی‌های بارز آن مکان و کسانی که

به محیط و زمینه موجود، میراث ناملموس، تنوع فرهنگی، عوامل اجتماعی-اقتصادی و محیطی به همراه ارزش‌های محلی است (UNESCO, 2019). همان‌طور که در توصیه‌نامه ۲۰۱۹ یونسکو، منظر تاریخی شهر، فراتر از مفهوم مرکز تاریخی و مجموعه‌ای وسیع‌تر از زمینه شهری یا محیط جغرافیایی مربوط به آن است و این شامل؛ توپوگرافی، زمین‌شناسی، هیدرولوژی و ویژگی‌های طبیعی، محیط انسان‌ساخت تاریخی و معاصر، زیرساخت‌ها در رو و زیرزمین، فضاهای باز و سبز، الگوهای کاربری و سازمان فضایی، ادراکات، روابط بصری و روابط سایر عناصر ساختار شهر، آداب و رسوم و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، فرآیندهای اقتصادی ابعاد ناملموس میراث یعنی تنوع و هویت می‌شود. این تعریف، مبنایی جامع‌نگر و یکپارچه را برای شناخت، ارزیابی، حفاظت و مدیریت مناظر تاریخی شهر در چارچوب توسعه پایدار فراهم می‌کند (Ibid).

بارزهمندی منظر تاریخی شهر

هدف رویکرد حفاظت از منظر تاریخی شهر، حفظ کیفیت محیط زیست، استفاده مولد و پایدار از مکان‌های شهری، شناخت بارزهمندی‌های پویا و ارتقای تنوع عملکردی و اجتماعی آنها است (Ibid). بارزه^{۱۰} یک منظر تاریخی، ویژگی یا الگوی قابل تشخیص، متمایز و پایدار از عناصر آن است که آن را از سایر مناظر تاریخی متمایز می‌کند؛ به عبارت دیگر، بارزهمندی یک مکان، ویژگی خاص و مشخصه گروهی از عناصر آن مکان است که نقش آن را پررنگ‌تر می‌کند. در این راستا، بارزه‌پردازی، فرآیندی شامل شناسایی خصوصیات بارز نواحی، طبقه‌بندی و تولید نقشه‌های آنها و توصیف ویژگی‌ها و کاراکترهای ناحیه است (Shamsuddin et al, 2012). در امر حفاظت و مدیریت، منظر تاریخی شهر باید به‌عنوان مجموعه‌ای واحد از عناصر معماری و شهری و منظر میراثی یکپارچه مورد بررسی قرار گیرد. اهمیت منظر تاریخی شهر به‌عنوان چارچوب حفاظت، از طریق درک اهمیت میراث شهری و حفظ کیفیت محیط انسانی آن میسر می‌شود (Ibid). از جمله شیوه‌های بارزه‌پردازی را می‌توان در تعیین پهنه‌های حفاظت جستجو کرد.

پهنه حفاظتی

تکامل میراث فرهنگی در فرانسه، جایی که این مفهوم در قرن نوزدهم در دوران انقلاب، امپراطوری و مرمت متولد شد، از شناخت میراث به‌عنوان بیان هویت ملی و پیشروی از طریق دنباله‌ای از اقدامات قانونی شکل می‌گیرد؛ به‌نحوی که ابتدا از حفاظت تک‌بناهای تاریخی شخصی آغاز شده و

سپس به سایت‌ها، پهنه‌های حفاظت و مراکز تاریخی گسترش می‌یابد. دلیل تغییر گرایش‌ها این است که جامعه در ابتدا بر نگرانی‌ها در مورد مسائل شهر و چیدمان شهری تأکید داشته و به تدریج بر نقش مهم میراث فرهنگی در ثبات اجتماعی و توسعه پایدار اقتصادی آگاهی یافته است (Versaci, 2016). در پی طرح پیشنهادی لوکوربوزیه در سال ۱۹۲۵ به منظور رفع سریع و ریشه‌ای مشکلات بهداشتی پاریس از طریق اقدامات نوسازی شهری^{۱۱} و اجرایی نشدن آن، ایده بهسازی کل مناطق شهری، با نگرانی پیرامون حفاظت از مناطق تاریخی همراه شد. در این راستا، وزیر فرهنگ فرانسه، آندره مالرو، با نظر به اینکه باید حساسیت بیشتری نسبت به محیط پیرامون داشت و در شرایطی که الزامات مدرنیته، نیاز به حفظ شواهد گذشته را تضعیف می‌کنند، با همکاری وزیر ساخت و ساز، پیر سودرو^{۱۲}، قانونی را تحت عنوان "قانون مالرو" تصویب کردند (Versaci, 2016). قانون مالرو در تاریخ ۴ آگوست ۱۹۶۲، توسط مؤسسه حفاظت از میراث تاریخی و زیبایی‌شناسی فرانسه منتشر شد. موضوع اصلی این قانون، "حفاظت و ارتقای میراث" فرانسه بود (Loi Malraux, 1962). این قانون، با هدف "حفاظت و ارزش‌گذاری مراکز تاریخی" و "معرفی پهنه‌های حفاظت معماری و شهری" مطرح شد تا موجب حفظ میراث معماری و تاریخی و بهبود شرایط زندگی و کاری جامعه فرانسه شود. طبق این قانون، پهنه‌های همگن زمانی تعیین شده که دارای بارزه یا ارزش زیبایی‌شناسی و تاریخی باشند و حفاظت، احیا و ارتقای آن مناطق را توجیه کنند. این ابزار، به منظور محدود نمودن عملیات سیستماتیک نوسازی آن زمان، کاهش تخریب مناطق مسکونی و پدیده تخصصی کردن و تفکیک فضایی در حین راه‌اندازی پروژه‌های بازآفرینی شهری مد نظر قرار گرفت (Versaci, 2016). این دوران را می‌توان سرآغاز دیدگاه پهنه‌منا به میراث شهری دانست که در پی آن در سال ۱۹۶۷ میلادی، هم‌زمان با تصویب "قانون تسهیلات شهری"^{۱۳} در انگلستان نیز در دستور کار قرار گرفت. در سال ۱۹۹۰ میلادی در بند ۶۹ قانون برنامه‌ریزی (بناهای ثبت‌شده و پهنه‌های حفاظت)، پهنه حفاظت به این صورت تعریف شد:

«پهنه‌های حفاظت، حوزه‌های خاص معماری یا تاریخی هستند با یک بارزهمندی^{۱۲} یا ظاهری^{۱۳} که شایسته مراقبت یا ارتقا است» (Historic England, 2018).

طبق این قانون، همه مسئولین برنامه‌ریزی محلی باید در هر زمانی آن بخش از منطقه مربوطه خود که دارای بارزه و ارزش معماری و تاریخی ویژه‌ای بوده و برای حفظ و ارتقا مناسب است را مشخص کرده و به‌عنوان پهنه‌های حفاظت

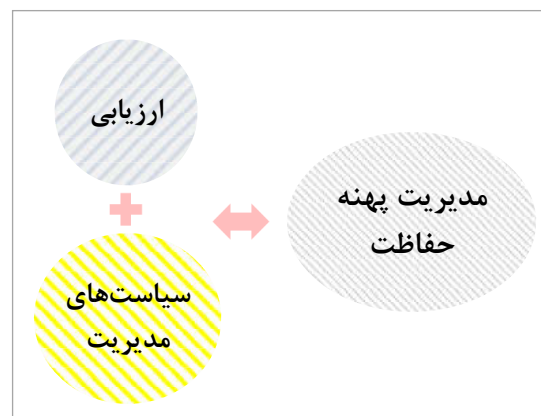
بوده، هستند (3: Historic England, 2011). همچنین، پهنه‌های حفاظت بارزهمندی و ویژگی ساختمان‌های شخصی، گروه‌های ساختمانی و ارتباط آنها با فضاهای باز، جزئیات معماری، مصالح، دیدها، رنگ‌ها، منظرسازی، مبلمان و همانند آنها را در بر می‌گیرند (Gateshead council, 2011). از طرفی، تغییر، جزء اجتناب‌ناپذیر مناطق حفاظت‌شده است و مدیریت مثبت زمانی اتفاق می‌افتد که فشارهای تغییر بر کاراکتر پهنه‌های حفاظت محدود شوند (English Heritage, 2005 a). از این‌رو، "ارزیابی بارزهمندی" و "سیاست‌های مدیریت"، دو عنصر مهم و جدایی‌ناپذیر پهنه‌های حفاظت به حساب آمده و این اسناد به‌عنوان مکملی برای طرح‌های توسعه‌ای مناطق تهیه می‌شوند (Ibid) (تصویر ۱).

معیارهای ارزش‌گذاری پهنه حفاظتی و میراثی

محیط تاریخی یا ناحیه بارزهمند ممکن است به سبب ماهیت بافت و یا نحوه قرارگیری در یک شهر، دارای ارزش‌های میراثی متفاوتی باشند؛ از این‌رو، شیوه‌های مداخله در آنها متفاوت خواهند بود. شناسایی و به‌ویژه ارزیابی و ارزش‌گذاری بافت‌های تاریخی، با تعریف معیارها و ملاک‌هایی برای سنجش اهمیت آنها امکان‌پذیر است. سازمان میراث انگلستان، ارزش‌های میراثی را در قالب ۴ مورد ارائه کرده است (جدول ۲). در این راستا، پاره‌ای از عوامل، زمینه شکل‌گیری هر یک از این ارزش‌ها را فراهم می‌آورند (تصویر ۲).

همچنین، مهم‌ترین معیارهای ارزش‌گذاری بافت‌های تاریخی را می‌توان در قالب "قدمت"، "وحدت، اصالت تاریخی و معماری و عدم مداخله"، "حیات اجتماعی و اقتصادی"، "ارزش‌های معماری و بداعت و غنای الگوها"، "ارزش‌های

معرفی کند. آنها همچنین موظف هستند اقداماتی که در این بخش اتفاق افتاده را مورد بازبینی قرار داده، نواحی جدید را تعیین کرده و مشخص کنند که چه بخش‌های دیگری از منطقه لازم است که به ناحیه حفاظت^{۱۴} اضافه شود (England Parliament, 1990). گونه‌هایی از ارزش‌های تاریخی و معماری که تعیین پهنه‌های حفاظت را الزامی می‌کنند شامل؛ نواحی دارای تعداد فراوان از دارایی‌های میراث ملی و تنوعی از سبک‌های معماری و وابستگی‌های تاریخی، ارتباط نواحی به یک فرد یا صنعت خاص با یک ارزش محلی ویژه، آنجا که یک طرح بااهمیت تاریخی مابین الگوی خیابانی مدرن قابل رؤیت باشد، مناطقی که یک سبک خاص معماری یا مصالح ساختمانی سنتی غالب وجود دارد و نواحی دارای قلمرو عمومی باکیفیت، یا یک عنصر فضایی از قبیل؛ فرم طراحی یا الگوی سکونتگاهی، فضاهای سبزی که جزء مهمی از یک ناحیه تاریخی، پارک‌های تاریخی و سایر مناظر طراحی‌شده وسیع‌تر



تصویر ۱. اجزای کنترل و مدیریت پهنه‌های حفاظت (نگارندگان)

جدول ۲. مفهوم‌شناسی ارزش‌های میراثی

تعریف	نوع ارزش میراثی
پتانسیل یک مکان برای ارائه شواهدی پیرامون فعالیت‌های انسانی گذشته؛ آنچه که انسان‌های اولیه آن را ساخته‌اند و در طول زمان دستخوش تغییر بوده است.	۱. ارزش مبتنی بر شواهد (کالبدی) ^{۱۵}
راه‌هایی که بتوان از طریق آن، مردم، وقایع و جنبه‌های زندگی گذشته را در قالب یک مکان به حال حاضر متصل کرد- "نمایانگر (نمایشی) بودن" و "اجتماع‌پذیری" مکان، دو جنبه از ارزش‌های تاریخی است؛ ارزش تاریخی یک مکان، فراتر از ارزش کالبدی آن است و جنبه‌های محتوایی و رابطه طراحی و عملکرد آن از گذشته تا کنون را نیز در بر می‌گیرد. شناخت این ارزش، به "شناسایی دقیق مفاهیم موجود" و "تجربه مستقیم" بافت یا منظر که از گذشته باقی مانده، وابسته است. بر خلاف ارزش مبتنی بر شواهد (کالبدی)، با تغییر یا جایگزینی به آسانی قابل تقلیل نیست.	۲. ارزش تاریخی ^{۱۶}
راه‌هایی که مردم از یک مکان، تحریک حسی و عقلانی را دریافت کنند.	۳. ارزش زیبایی‌شناختی ^{۱۷}
معنای یک مکان برای مردمی که به آن تعلق دارند و یا کسانی که در حافظه و خاطره جمعی خود، آن را متصور هستند.	۴. ارزش جمعی ^{۱۸}

(نگارندگان با اقتباس از English Heritage, 2008)

در این پژوهش برای ارزیابی بازمانده‌های تاریخی با استفاده از ادبیات تحقیق، چهار مؤلفه؛ "ارزش مبتنی بر شواهد (کالبدی)"، "ارزش تاریخی"، "ارزش زیبایی شناختی

تاریخی و خاطرات جمعی" و "ارتباط با طبیعت و همساز بودن با بستر طبیعی" برشمرده (مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۲) (تصویر ۳).



تصویر ۲. شاخص‌های ارزشمندی میراث (نگارندگان با اقتباس از English Heritage, 2008)



تصویر ۳. معرفی معیارهای ارزیابی بافت تاریخی (نگارندگان با اقتباس از مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۲)

بسط روش CACA بر نمونه مورد مطالعه، طی چند مرحله انجام می‌پذیرد. گام اول، شناسایی ارزش‌های میراثی و گام بعد، کمی‌سازی این ارزش‌ها است که در نهایت، به پیشنهاد پهنه‌های بارزهمند می‌انجامد.

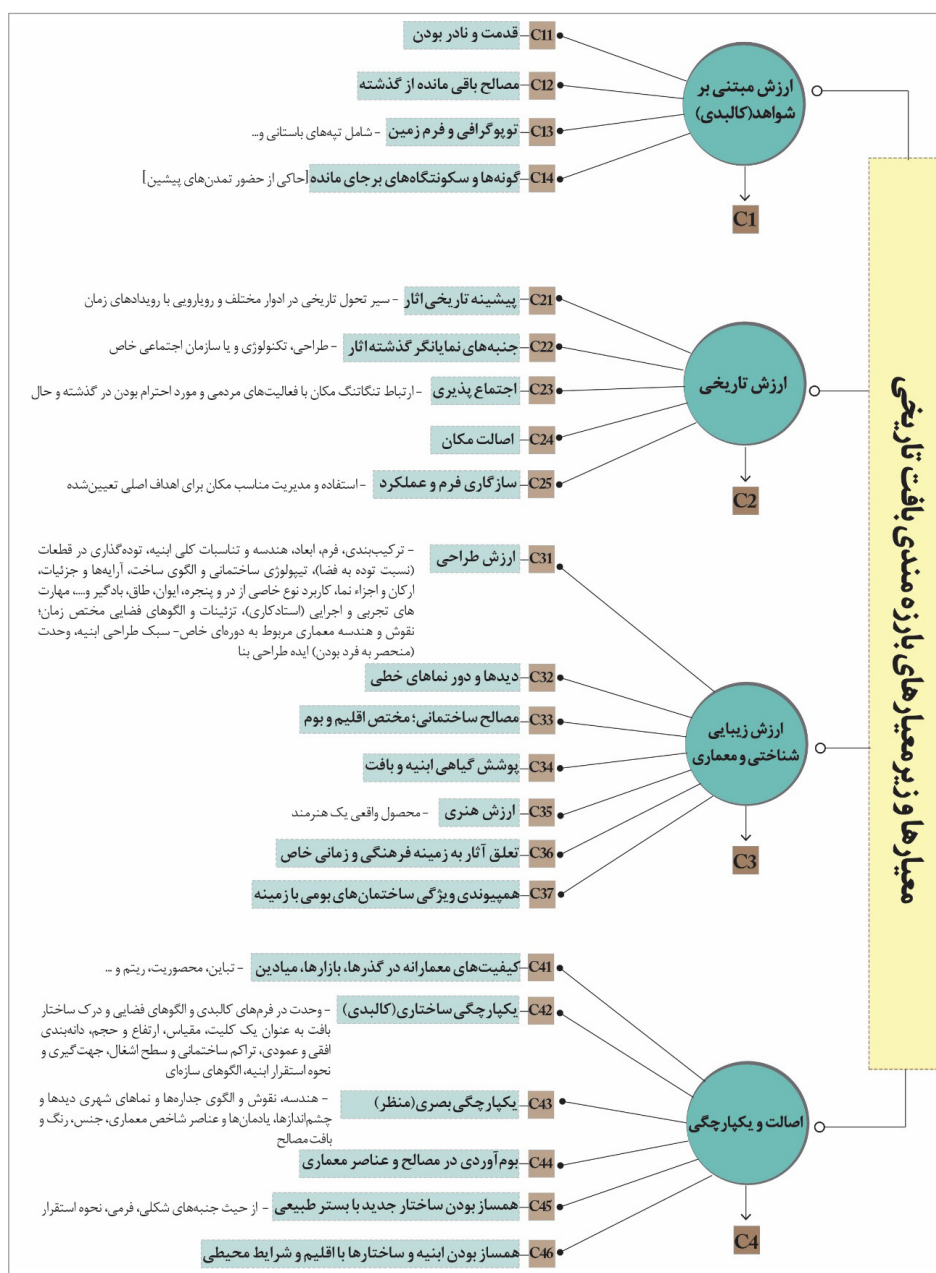
مرحله اول - تعیین ارزش‌های ویژه بر اساس دیدگاه نقطه‌مبنا

ارزیابی اولیه حاکی از آن است که در حال حاضر، ۲۲۵ عنصر واجد ارزش میراثی در شهر لار بر جای مانده که از این تعداد، ۴۵ عنصر آن به ثبت فهرست آثار ملی رسیده‌اند.

و معماری" و "اصلت و یکپارچگی" و زیرمعیارهای مرتبط با آنها به‌عنوان چارچوبی مفهومی شکل گرفته که در تصویر ۴ ارائه شده‌اند.

کاربست روش CACA در ارزیابی بافت تاریخی شهر لار

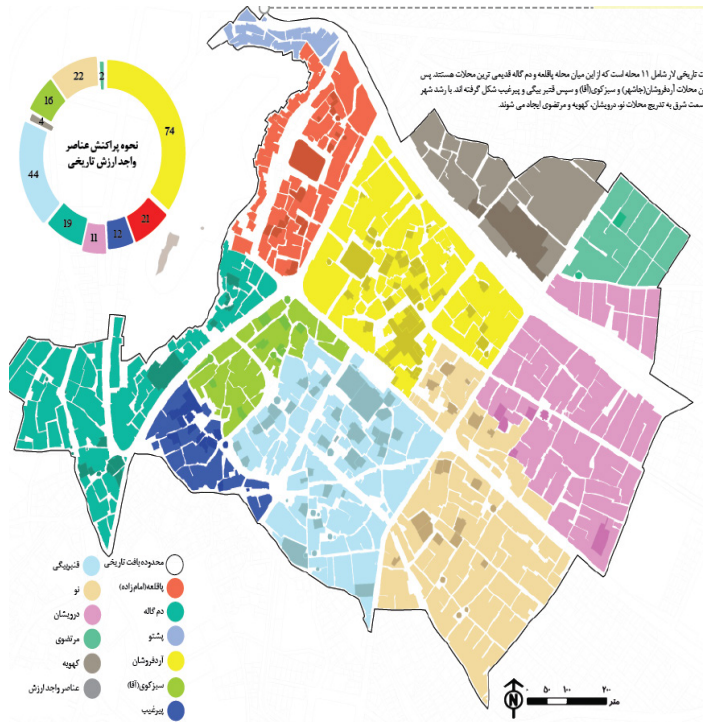
در پژوهش حاضر، بارزهمندی‌های بافت تاریخی شهر لار در قالب مؤلفه‌های استخراج‌شده از مبانی نظری و با استفاده از مطالعه اسناد، برداشت میدانی و مصاحبه با کارشناسان میراث فرهنگی، شناسایی و ارزیابی شده‌اند. در این راستا،



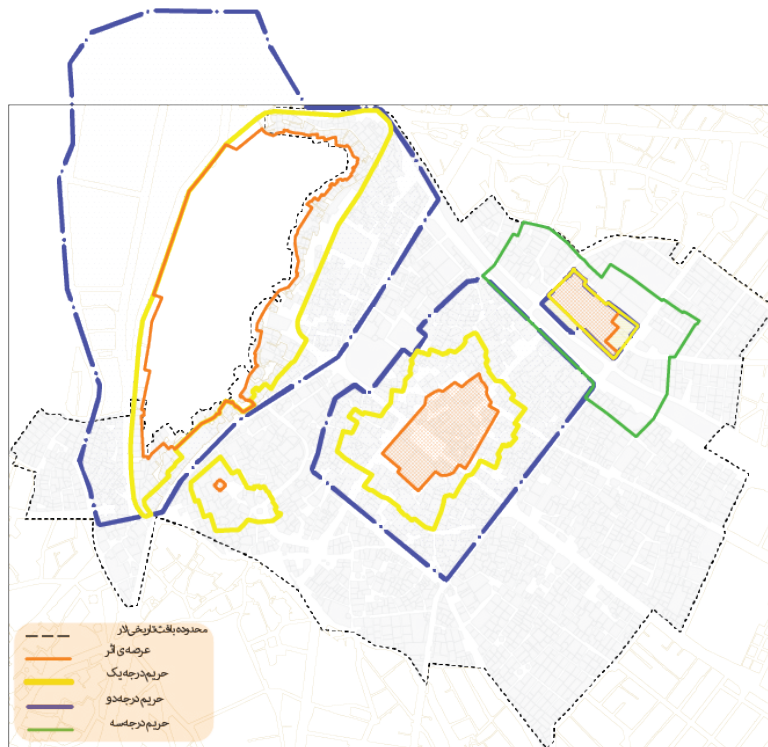
تصویر ۴. نمودار سلسله مراتبی معیارها و زیرمعیارهای ارزیابی بارزهمندی بافت تاریخی (نگارندگان)

شده و سایر عناصر ارزشمند از دایره ضوابط مربوط به حریم
خارج هستند (تصاویر ۵ و ۶).

از این میان، تنها برای ۴ عنصر واجد ارزش، حریم در قالب
محدوده عرصه اثر، حریم درجه ۱، درجه ۲ و درجه ۳ تعریف



تصویر ۵. تقسیمات کالبدی و نحوه پخشایش عناصر ارزشمند میراثی در بافت تاریخی شهر لار (نگارندگان)



تصویر ۶. حریم تعیین شده برای عناصر ثبت شده توسط میراث فرهنگی (نگارندگان با استفاده از اسناد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۰-۱۳۸۲)

مرحله دوم - وزن دهی و تعیین میزان تأثیر هر یک از زیرمعیارها، با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی

در این مرحله، به کمک فرآیند تحلیل سلسله مراتبی و استفاده از نظرات ۱۵ نفر از متخصصان و حرفه‌مندان حوزه طراحی و برنامه‌ریزی شهری شامل اساتید هیئت علمی و کارشناسان شهرداری شهر لار، ضریب اهمیت هر معیار و زیرمعیار مربوطه، تعیین و رتبه‌بندی شد^{۱۹}. سپس با محاسبه میانگین مقادیر برای هر یک از معیارها و زیرمعیارها، وزن هر

کدام از آنها مشخص و اولویت‌بندی شد. در نهایت، سازگاری منطقی قضاوت‌ها نیز کنترل شد. در این میان، معیار ارزش تاریخی، دارای بیشترین وزن (بیشترین اهمیت) و ارزش کالبدی، کمترین وزن (کمترین اهمیت) را دارا است (جدول ۳).

مرحله سوم - تکنیک درون‌یابی^{۲۰} در تعیین پهنه‌های بارزهمند

روش درون‌یابی جبری، بر نقاط اندازه‌گیری شده متکی است و در آن، از توابع ریاضی استفاده شده و بر دو گروه همگانی و محلی تقسیم می‌شود. در درون‌یابی همگانی

جدول ۳. اولویت‌بندی و درجه اهمیت معیارها و زیرمعیارهای مرتبط با بارزهمندی بافت تاریخی

وزن		معیارها و زیرمعیارها	
0.350	0.304	C23: اجتماع‌پذیری	C2: ارزش تاریخی
	0.244	C25: سازگاری فرم و عملکرد	
	0.205	C24: اصالت مکان	
	0.133	C22: جنبه‌های نمایانگر گذشته آثار	
	0.113	C21: پیشینه تاریخی آثار	
0.253	0.227	C37: هم‌پیوندی و ویژگی ساختمان‌های بومی با زمینه	C3: ارزش زیبایی‌شناختی و معماری
	0.179	C31: ارزش طراحی	
	0.169	C36: تعلق آثار به زمینه فرهنگی و زمانی خاص	
	0.164	C35: ارزش هنری	
	0.107	C33: مصالح ساختمانی، مختص اقلیم و بوم	
	0.107	C32: دیدها و دورنماهای خطی	
	0.048	C34: پوشش گیاهی ابنیه و بافت	
0.252	0.273	C42: یکپارچگی ساختاری (کالبدی)	C4: اصالت و یکپارچگی
	0.171	C46: همساز بودن ابنیه و ساختارها با اقلیم و شرایط محیطی	
	0.161	C41: کیفیت‌های معمارانه در گذرها، بازارها، میادین	
	0.160	C43: یکپارچگی بصری (منظر)	
	0.158	C45: همساز بودن ساختار جدید با بستر طبیعی	
	0.078	C44: بوم‌آوردی در مصالح و عناصر معماری	
0.145	0.332	C11: قدمت و نادر بودن	C1: ارزش کالبدی
	0.327	C14: گونه‌ها و سکونتگاه‌های بر جای مانده	
	0.211	C13: توپوگرافی و فرم زمین	
	0.131	C12: مصالح باقی‌مانده از گذشته	

(نگارندگان)

برای برآورد نقاط مجهول، داده‌های همه نقاط اندازه‌گیری شده‌اند، اما در مدل محلی، از داده‌های تعدادی از نقاط برداشت شده برای برآورد مقدار نقطه مجهول استفاده می‌شود. در این روش، نقاط همسایه بر اساس تعداد یا فاصله تعریف می‌شوند. تعداد نقاط همسایه که برای برآورد در یک نقطه معین به کار گرفته می‌شود، در کیفیت نتایج، تأثیر بسزایی دارد. از آنجا که اندازه‌گیری‌ها همواره با مقداری خطا همراه بوده و برآوردها نمی‌توانند دقیق‌تر از اندازه‌گیری‌ها باشند، لذا روش‌های درون‌یابی جبری تا حدودی در کاهش تأثیر خطاهای اندازه‌گیری، سودمند خواهند بود (Garnero et al, 2013: 140). شیوه‌های درون‌یابی، بر مبنای این نظریه توسعه می‌یابند که نقاط نزدیک‌تر به هم، نسبت به نقاط دورتر خود، ارتباط، هم‌بستگی و شباهت بیشتری دارند (Setianto et al, 2013: 24). یکی از انواع روش‌های درون‌یابی، وزن‌دهی معکوس فاصله^{۲۱} است. این روش، یک روش وزن‌دهی بر مبنای میانگین بوده که در آن، داده‌ها از طریق انحراف معیار یک نقطه از سایر نقاط وزن‌دهی می‌شوند. به عبارتی دیگر، وزن‌ها با توجه به فاصله نقاط معلوم از نقاط مجهول، فارغ از نحوه پراکندگی خود تعیین می‌شوند؛ به نحوی که نقاط نزدیک‌تر، وزن بیشتر و نقاط دورتر، وزن کمتری خواهند داشت (فتحی هفشجانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۴). از این‌رو، گفته می‌شود که مقادیر مجهول، تابعی از معکوس فاصله از نقاط معین هستند (Curtarelli et al, 2015: 223). در این راستا، عملیات، بسیار وابسته به شعاع همسایگی نقاط و توان مرتبط با معکوس فاصله است و به این صورت محاسبه می‌شود (Setianto et al, 2013: 24):

$$Z_0 = \frac{\sum_{i=1}^N z_i \cdot d_i^{-n}}{\sum_{i=1}^N d_i^{-n}}$$

(مقدار نقطه مجهول: Z_0 ، مقدار نقطه معلوم: Z_i ، فاصله نقطه معلوم از مجهول: d_i ، عامل تعیین‌کننده وزن بر مبنای فاصله: n)

به منظور تعیین بارزمنندی پهنه بافت تاریخی و تخمین ارزش نسبی نقاط بافت و تعیین نواحی بارزمنه، از روش درون‌یابی محلی استفاده می‌شود. از این‌رو، بنا بر ماهیت موضوع، ۲۲۵ عنصر واجد ارزش میراثی، به عنوان نقاط اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شوند. مقادیر نسبت داده‌شده به این نقاط به نحوی هستند که هر نقطه (عنصر واجد ارزش) بر اساس ۲۲ زیرمعیار مطرح‌شده در تصویر ۴ پیرامون بارزمنندی و با استفاده از مشاهدات میدانی، توسط نگارندگان مورد سنجش قرار گرفته و بر اساس شرایطی که هر یک از این نقاط واجد ارزش در حال حاضر دارا است، به آن امتیازی بین ۱ تا ۱۰ تعلق می‌گیرد؛ در این راستا، عدد ۱، نمایانگر کمترین و عدد ۱۰، بیشترین میزانی است که در راستای دارا بودن زیرمعیار، به عنصر واجد ارزش اختصاص می‌یابد^{۲۲}. پس از اعمال امتیازات، به منظور برآورد مقادیر برای سایر نقاط بینابینی، به ازای هر زیرمعیار، عملیات درون‌یابی با بهره‌گیری از دستور درون‌یابی محلی انجام گرفته است و نقشه‌هایی به صورت لایه‌های رستر^{۲۳} حاصل می‌شوند (تصاویر ۱۰-۷).

مرحله چهارم- وزن‌دهی و یکپارچه‌سازی خروجی‌های رستر

در این مرحله، وزن کلی هر زیرمعیار^{۲۴}، از طریق حاصل ضرب وزن هر زیرمعیار در وزن معیار مربوطه بر اساس آنچه از تحلیل AHP حاصل شد، محاسبه می‌شود (جدول ۴):

$$WtC_{ij} = WC_{ij} * WC_i$$

$$WtC_{11} = WC_{11} * WC_1, WtC_{12} = WC_{12} * WC_1, \dots$$

سپس با استفاده از دستور محاسبه گر رستری^{۲۵}، هر ۲۲ لایه خروجی رستری^{۲۶}، حاصل از مرحله درون‌یابی، در وزن‌های کلی ضرب شده و در نهایت، همه رسترهای وزن‌دهی شده با هم جمع می‌شوند.

$$RT = ("RC_{11}" * WtC_{11} + \dots) + ("RC_{21}" * WtC_{21} + \dots) + ("RC_{31}" * WtC_{31} + \dots) + ("RC_{41}" * WtC_{41} + \dots)$$

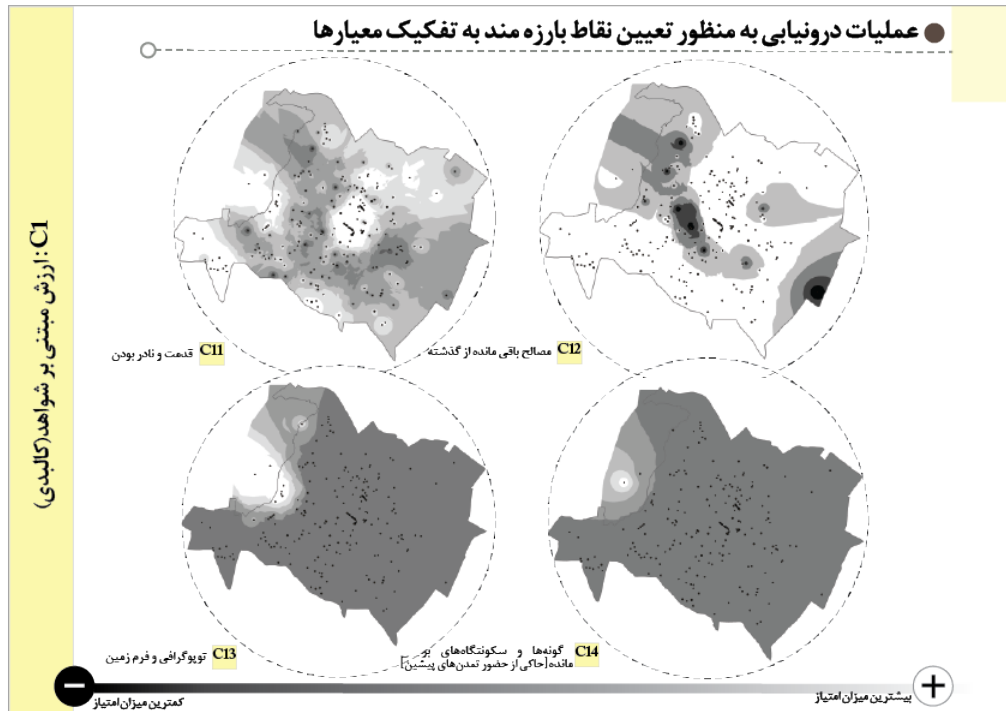
جدول ۴. وزن کلی زیرمعیارها

C32	C31	C25	C24	C23	C22	C21	C14	C13	C12	C11	C_{ij}
0.027	0.045	0.086	0.072	0.106	0.047	0.040	0.047	0.030	0.019	0.048	$Wt_{C_{ij}}$
C46	C45	C44	C43	C42	C41	C37	C36	C35	C34	C33	C_{ij}
0.043	0.040	0.020	0.040	0.069	0.161	0.058	0.043	0.042	0.012	0.027	$Wt_{C_{ij}}$

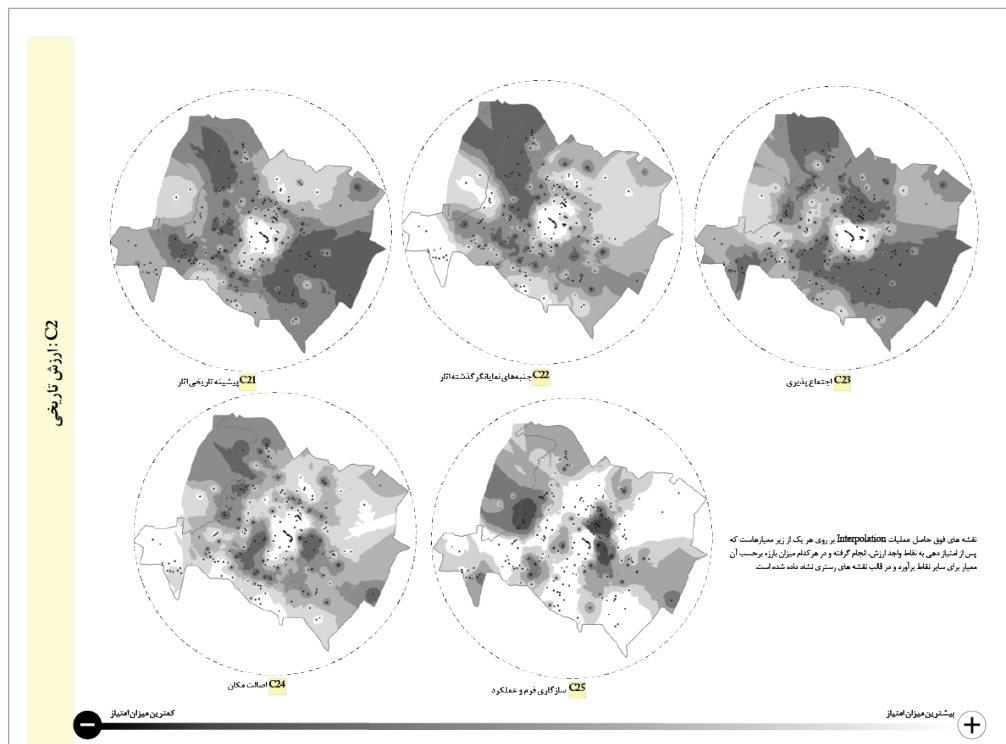
(نگارندگان)

کلاس‌های مختلف می‌توان طبقه‌بندی کرد که در اینجا به منظور دقت بیشتر در درک بهتر تمایز پهنه‌ها، در قالب ۷ کلاس نشان داده شده است (تصویر ۱۱).

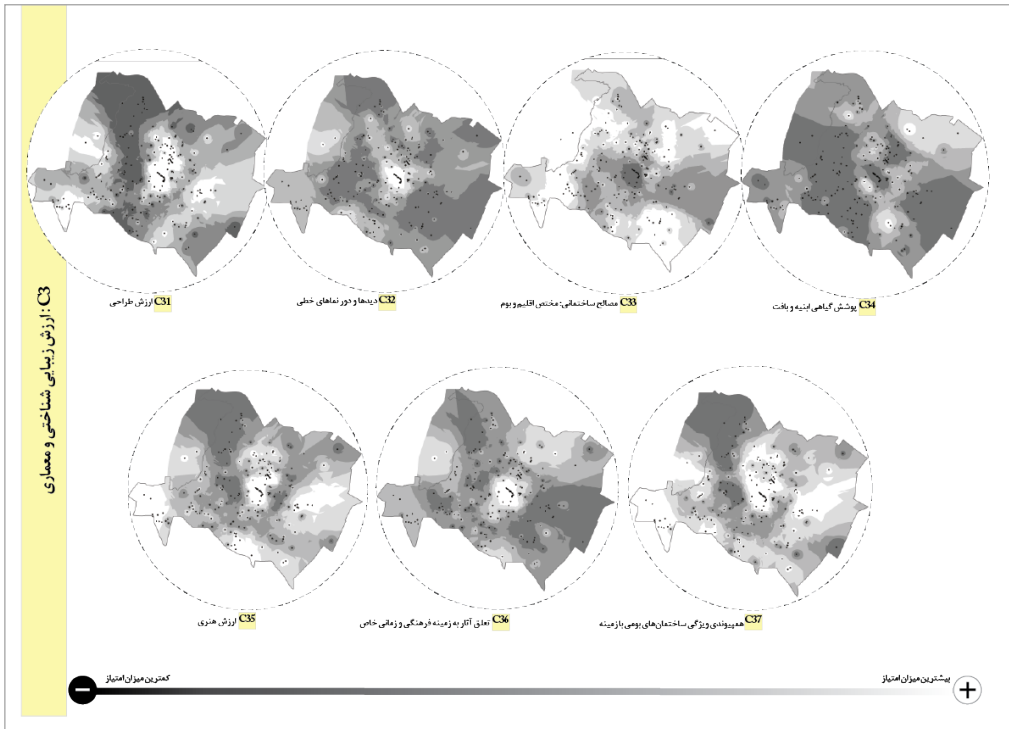
در واقع این عملیات، با هدف وزن‌دهی، هم‌پوشانی و تلفیق لایه‌های رستر انجام گرفته و نقشه خروجی، در قالب طیفی از پهنه‌های بارزمنند حاصل می‌شود. خروجی را در قالب



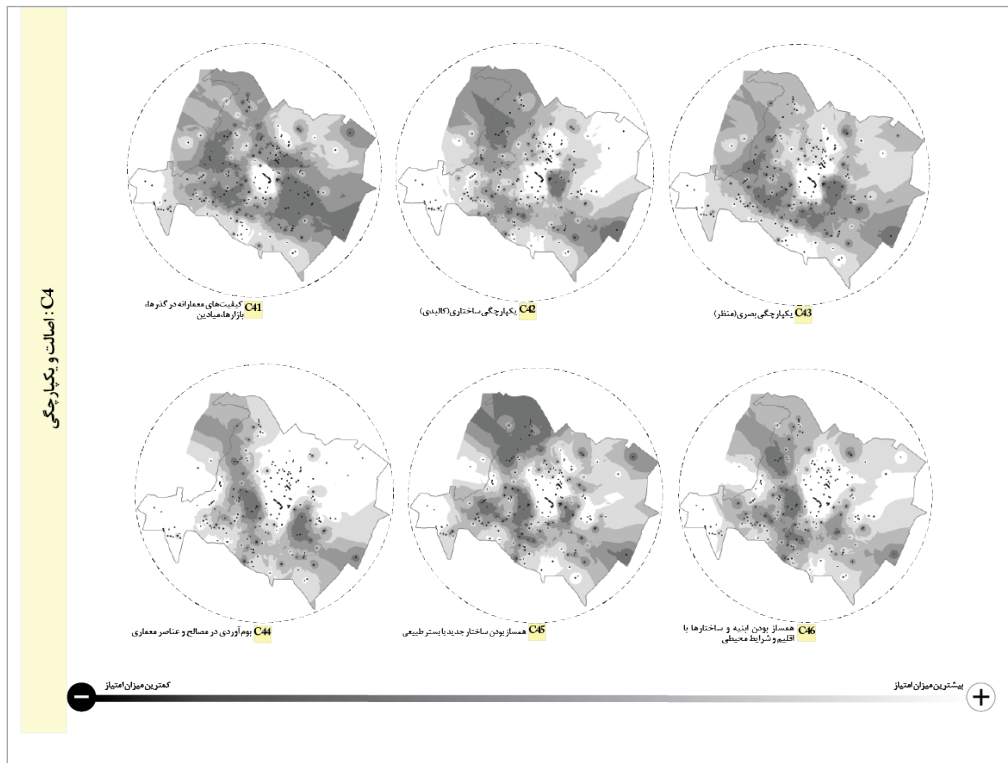
تصویر ۷. عملیات درونیابی به منظور تعیین نقاط بارزمنند برای مؤلفه ارزش مبتنی بر شواهد (کالبدی) (نگارندگان)



تصویر ۸. عملیات درونیابی به منظور تعیین نقاط بارزمنند برای مؤلفه ارزش تاریخی (نگارندگان)



تصویر ۹. عملیات درون‌یابی به منظور تعیین نقاط بارز همنند برای مؤلفه ارزش زیبایی‌شناختی و معماری (نگارندگان)



تصویر ۱۰. عملیات درون‌یابی به منظور تعیین نقاط بارز همنند برای مؤلفه اصالت و یکپارچگی (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

منظر تاریخی و فرهنگی، حاوی ارزش‌هایی نهفته است که هر گونه اقدام در جهت حفظ و ارتقای آنها، سیاست‌گذاران، مدیران و برنامه‌ریزان شهری را ملزم می‌کند که به شناخت کامل اهمیت آنها به‌عنوان مجموعه‌های به‌هم پیوسته از عناصر ارزشمند بپردازند. این امر، مستلزم تحلیل و بررسی منشأ این ارزش‌ها و نقش آنها در آفرینش کلیت بافت تاریخی است. از جمله کاربرد بارزه‌پردازی را می‌توان در تعیین پهنه‌های حفاظت مطرح کرد که بر پایه "شناخت زمین" میسر می‌شود. شناخت یک مکان و ارزیابی اهمیت آن، نیازمند یک فرآیند سیستماتیک و سازگار است و متناسب با محدوده و گستردگی تصمیم‌گیری یا هدف ارزیابی انجام می‌شود و این فرآیند علاوه بر "مکان‌هایی که مهم شناخته شده‌اند"، برای "مکان‌های دارای پتانسیل تغییر" نیز کاربرد دارد. در این پژوهش سنجش بافت تاریخی شهر لار و انجام عملیات درون‌یابی بر روی آن، نواحی بارزمنند تدقیق شده و در واقع، از نگاهی نقطه‌مبنا به نگاهی کلی‌نگر و مبتنی بر پهنه نائل آمدند. در پهنه‌های حاصل شده که با درجات مختلف از بارزمنندی ارائه شده‌اند، هر یک با توجه به میزان ارزشمندی که دارا است، نوعی مدیریت یکپارچه تغییر را می‌طلبد. گام بعد در راستای کنترل و هدایت حفاظت و توسعه در این پهنه‌ها علاوه بر ارزیابی پیاپی، طرح‌های مدیریتی^{۲۷} در قالب سیاست‌ها و ضوابط طراحی شهری در راستای حفظ و ارتقای بارزمنندی پهنه‌ها را به‌عنوان مکمل و رکن اساسی دیگر در مدیریت تغییر، مد نظر قرار می‌دهد. دستاورد پژوهش را می‌توان توسعه و ارائه روش و مدلی کمی در راستای ارتقای نگاه پهنه‌مبنا (مبتنی بر پهنه‌های بارزمنند) در جهت رفع برخی کاستی‌ها و محدودیت‌های دیدگاه رایج نقطه‌مبنا در کشور دانست؛ کاستی‌هایی از قبیل عدم توجه مسئولین میراث به ابعاد مختلف ارزشمندی و نگاه صرف به تک‌بنا در تعیین حرایم و غافل ماندن از سایر بارزمنندی‌های بافت تاریخی، محدودیت‌های تعیین حرایم و پیشنهاد ضوابط و معطوف شدن آنها به تعداد معدودی از عناصر ثبتي و عدم توجه به سایر عناصر واجد ارزش میراثی. از این‌رو، پژوهش توانست به هدف اصلی خود؛ یعنی ارائه شیوه نوین جهت رسیدن به چارچوبی برای حفاظت کالبدی از منظر تاریخی (معماری و طبیعی) شهر، دست یابد. روش ارائه‌شده در این پژوهش، این قابلیت را دارا است که با در نظر گرفتن سایر ابعاد منظر تاریخی شهر و به‌عبارتی جنبه‌های عملکردی، ادراکی و اجتماعی، در پژوهش‌های بعدی تکامل یابد و در امر کنترل حفاظت و توسعه و مدیریت تغییر، به‌عنوان راهنمای مسئولین در دستور کار قرار گیرد.

پی‌نوشت

1. Value-based
2. Historic Landscape Characterization
3. Extensive Urban Survey
4. Historic Area Assessment
5. Conservation Area Character Appraisal
6. مراحل ارزیابی CACA، شامل دو مرحله اصلی است که البته خود به بخش‌های مختلف تقسیم می‌شوند؛ مرحله اول، مشخص نمودن ارزش‌های ویژه (Definition (or summary) of special interest) و مرحله دوم، ارزیابی ارزش‌های ویژه (Assessing special interest).
7. Historic Urban Landscape
8. Character
9. Plan Voisin
در این طرح، تخریب کل محله لومره (به‌عنوان محله‌ای قدیمی و ناسالم) و بازسازی آن به‌عنوان یک محله تجاری جدید، با هجده آسمان‌خراش و دوباره‌سازی واحدهای همسایگی مسکونی مجزا در غرب آن پیشنهاد شد. خوشبختانه این پروژه هرگز به انجام نرسید، اما الهام‌بخش مداخلات در سه حوزه دیگر پایتخت فرانسه شد.
10. Pierre Sudreau
11. Civic Amenities Act (1967)
12. Character



13. Appearance
 14. Planning Listed Buildings and Conservation Areas
 15. Evidential value
 16. Historical value
 17. Aesthetic value
 18. Communal value
۱۹. از آنجا که مراحل تجزیه و تحلیل به شیوه تحلیل سلسله مراتبی AHP طولانی بود و در مجال این مقاله نمی‌گنجد، به‌طور خلاصه، نتیجه این وزن‌دهی و رتبه‌بندی در قالب جدول ۲ بیان شد.
20. Interpolation- IDW
 21. Inverse Distance Weighting (IDW)
۲۲. به این موارد در GIS جدولی اختصاص داده شده است که به علت ازدیاد اطلاعات، امکان ارائه در مقاله حاضر وجود ندارد.
23. Rater
 24. Wtcij
 25. Raster Calculator
 26. Rcij
 27. Conservation Area Management Plan (CAMP)

منابع و مأخذ

- اسناد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (۱۳۹۰-۱۳۸۲). ضوابط عرصه و حریم، لار.
- حناچی، پیروز؛ دیبا، داراب و مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۶). حفاظت و توسعه در ایران، تجزیه و تحلیل تجارب مرمت در بافت‌های باارزش شهرهای تاریخی ایران. نشریه هنرهای زیبا، سال دوازدهم (۳۲)، ۶۰-۵۱.
- ریاحی، حسام و حبیبی، کیومرث (۱۳۹۴). بررسی حریم و حریم‌گذاری (حفاظت از ارزش‌ها) بافت تاریخی و تحلیلی بر نحوه مواجهه با آن در بافت تاریخی شهر شیراز. همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در هزاره سوم. تهران.
- فتحی هفشجانی، الهام و دیگران (۱۳۹۳). مقایسه چند روش درون‌یابی مکانی و انتخاب مناسب‌ترین روش برای پهنه‌بندی و فسفات در آب زیرزمینی شهر کرد. فصلنامه مهندسی آبیاری و آب، سال چهارم (۱۵)، ۶۳-۵۱.
- کمیلی، محمد (۱۳۹۵). تحلیل عملکرد عناصر هویت‌بخش به منظر شهری بخش مرکزی تهران؛ مورد پژوهی: منطقه ۱۲. مدیریت شهری، (۴۲)، ۲۲۶-۲۰۹.
- لطفی، سهند (۱۳۹۰). تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی. چاپ اول، تهران: آدرخش.
- لطفی، سهند؛ شعله، مهسا و قنبری، عرفانه (۱۳۹۷). بررسی تأثیر انگاره حریم‌گذاری بناهای واجد ارزش میراثی بر روند توسعه بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر لار). کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران. تهران.
- مسعود، محمد و بیگزاده شهرکی، حمیدرضا (۱۳۹۲). بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی: مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی. چاپ اول، تهران: آدرخش.
- Curtarelli, M.; Leão, J.; Lorenzetti, J. & Stech, J. (2015). Assessment of Spatial Interpolation Methods to Map the Bathymetry of an Amazonian Hydroelectric Reservoir to Aid in Decision Making for Water Management. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 4 (1), 220-235.
- England Parliament (1990). Planning (Listed Buildings and Conservation Areas) Act. London: The Stationery Office. <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1990/9/contents> (Retrieved 10 April 2018).
- English Heritage (2005 a). **Guidance on the management of conservation areas**. London: English Heritage.

- ----- (2005 b). **Guidance on conservation area appraisals**. London: English Heritage.
- -----(2008). **Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment**. London: English Heritage.
- Garnero, G. & Godone, D. (2013). Comparisons between different interpolation techniques. *International Archives of the Photogrammetry, Remote Sensing and Spatial Information Sciences*, XL-5 (W3), 139-144.
- Gateshead council. (2011). Coatsworth Conservation area character Appraisal. <https://www.gateshead.gov.uk/media/1774/Coatsworth-Conservation-Area-Character-Appraisal/pdf/Character-appraisal.pdf?m=636669063147930000>.(Retrieved 15 June 2019).
- Historic England (2010). Understanding Place: Historic Area Assessments. London: Historic England. <https://historicengland.org.uk/images-books/publications/understanding-place-historic-area-assessments/>. (Retrieved 22 January 2020)
- ----- (2011). Conservation Area Designation, Appraisal and Management: Historic England Advice Note 1. london: English Heritage. <https://historicengland.org.uk/images-books/publications/conservation-area-appraisal-designation-management-advice-note-1/> (Retrieved 22 January 2020).
- ----- (2018). Designating and Managing a Conservation Area | Historic England. London: English Heritage. <https://historicengland.org.uk/advice/planning/conservation-areas/>. (Retrieved 22 January 2020)
- Loi malraux. (1962). in *Wikipédia*. https://fr.wikipedia.org/w/index.php?title=Loi_Malraux&oldid=177715811. (Retrieved 23 June 2019).
- Setianto, A. & Triandini, T. (2013). Comparison of Kriging and Inverse Distance Weighted (IDW) Interpolation Methods in Lineament Extraction and Analysis. *Journal of Southeast Asian Applied Geology*, 5 (1), 21-29.
- Shamsuddin, S.; Sulaiman, A. & Amat, R. (2012). urban landscape factors that influenced the character of George Town, Penang UNESCO World Heritage Site. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 50, 238- 253.
- Taylor, K. (2016). The Historic Urban Landscape paradigm and cities as cultural landscapes. Challenging orthodoxy in urban conservation. *Landscape Research*, 41 (4), 471-480.
- UNESCO (2019). “*Recommendation on the Historic Urban Landscape*”. Report of the Second Consultation on its Implementation by Member States, UNESCO World Heritage Centre. <https://whc.unesco.org/en/hul/> (Retrieved 18 July 2019).
- UNESCO and World Heritage Convention (2015). **The HUL Guide Book: Managing Heritage In Dynamic And Constantly Changing Urban Environments**. A Practical Guide To Unesco’s Recommendation on The Historic Urban Landscape, World Conference of the League of Historical Cities. Austria: Bad Ischl.
- Van oers, R. & Haraguchi, S. (2010). **Managing Historic Cities**. Paris: UNESCO.
- Versaci, A. (2016). The Evolution of Urban Heritage Concept in France, between Conservation and Rehabilitation Programs. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 225, 3- 14.



Received: 2019/03/12

Accepted: 2020/02/08



Applying the Inverse Distance Weighting (IDW) Method in the Designation of Character Areas and the Physical Conservation of the Historic Urban Landscape (Case Study: Lar Old City, Fars, Iran)

Sahand Lotfi* Mahsa Sholeh** Erfaneh Ghanbari***

Abstract

The Historic Urban Landscape (HUL) of the city is shaped by several layers of explicit and implicit contextual values that distinguish it from other landscapes. Sustaining these contextual characteristics and values as a whole is made possible by a thorough understanding and putting in place measures to preserve and enhance them. This article, in the absence of methodologies to delineate and redefine heritage conservation areas, and respond to the inadequacy of the definition of the heritage buildings regulatory Buffer Zones, seeks to present a new approach aimed at the physical protection of features (including architectural and natural dimensions) of the Historic Urban Landscape in the city of Lar (as the case study). In this regard, the CACA (Conservation Area Character Appraisal) method has been applied, which is measured by four criteria including “evidence-base,” “historical value,” “aesthetic and architectural value,” and “authenticity and integrity.” To this end, the study has assessed the criteria in two scales using two conservation approaches of “point-based” (focused on single heritage buildings) and “area-based” focusing on the characteristics of a conservation area. The present study is an applied research and has used qualitative and quantitative methods in a consolidated way. Initially, and with a “point-based” approach through field surveys and interviews with experts, valuable heritage buildings (in addition to registered heritage elements) have been identified. This step was intended to further the inclusion of relevant heritage elements. Then, weighting the criteria by the experts and incorporating them into the AHP process, the ranking of the importance of the criteria and sub-criteria is attempted. In the next step, using the “Inverse Distance Weighting (IDW)” method in GIS software, the historic fabric “conservation areas” of Lar City are identified around valuable points in the form of “character areas.” These zones have been proposed in three levels with high (grade 1), moderate (grade 2), and low (grade 3) characters. The designation of these areas will serve as a criterion for taking into account the regulations for intervention and conservation of the Historic Urban Landscape of the city.

Keywords: Historic Urban Landscape (HUL), character area, Inverse Distance Weighting (IDW), buffer zone, Lar (City in Iran)

* Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran. slofti@shirazu.ac.ir

** Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran. msholeh@shirazu.ac.ir

*** MA Student in Urban Design Major, Department of Urban Planning and Design, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran. erfaneh.ghanbari@gmail.com